

# روابط ترکیه و اسرائیل و آثار آن در آسیای مرکزی و قفقاز

محمدرضا ملکی<sup>۱</sup>

توسعه و گسترش همکاری‌ها و نزدیکی ترکیه و اسرائیل یک تحول مهم سیاسی در خاورمیانه بعد از فروپاشی شوروی و پایان یافتن جنگ سرد است. ترکیه و اسرائیل ضمن آنکه اختلافاتی در اولویتها و برداشتهای خود نسبت به مسایل مختلف دارند دارای یک سلسله جهت‌گیری‌ها، اهداف و منافع مشترکی در حوزه‌های مورد علاقه از جمله در آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشند. وجود منافع همه‌جانبه دو کشور در منطقه مذکور سبب شده است تا آنکارا و تل‌آویو در همسویی هرچه بیشتر سیاستها، حرکتها و اقدامات خود در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز گام بردارند که این امر آثار و پیامدهایی برای منطقه یاد شده دارد.

## مقدمه

از زمان پایان گرفتن جنگ سرد در سال ۱۹۸۹، ترکیه خود را در محیط امنیتی پیچیده‌ای که با عدم قطعیت، تغییر و بی‌ثباتی مشخص می‌گردد، یافته است. این کشور ناچار بوده است که با تعدیل سیاست خارجی خود به نحوی به تغییرات و تحولات جهانی و منطقه‌ای پاسخ دهد.<sup>۲</sup>

حکمت چتین وزیر خارجه وقت ترکیه در سال ۱۹۹۳ گفته بود: «موقعیت جغرافیای سیاسی و استراتژیک ترکیه این کشور را در مجاورت و همسایگی بی‌ثبات‌ترین، نامعلوم‌ترین و غیرقابل پیش‌بینی‌ترین مناطق جهان قرار داده و آن را به یک دولت مقدم تبدیل کرده

۱. دکتر محمدرضا ملکی پژوهشگر ارشد سیاسی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

2. Security Dialogue, Vol.29, No.10, March 1998, p.121.

است که با جبهه‌های متعددی روبرو می‌باشد. روی این اصل، همیشه این امکان وجود دارد که بحرانها و درگیری‌ها در این مناطق گسترش یافته و ترکیه را نیز فراگیرد.<sup>۱</sup>

سیاست خارجی جدید ترکیه که سرآغاز آن به دهه ۶۰ باز می‌گردد، بر سیاست سنتی ترکیه (کمالیسم) تأکید دارد. سیاست مزبور مبتنی بر اصول زیر می‌باشد: عدم مداخله در امور داخلی کشورهای خاورمیانه، برابری میان دولتها، برقراری و تحکیم روابط دیپلماتیک با اسرائیل، حمایت از مسایل اعراب، حفظ پیوند با غرب با توجه به آثار آن بر روابط ترکیه با خاورمیانه و بالعکس و سرانجام توسعه روابط دوجانبه.

بحران خلیج فارس و حمله عراق به کویت در ماه اوت ۱۹۹۰، چالش جدیدی را در مقابل اصول سنتی سیاست خارجی ترکیه نسبت به خاورمیانه برقرار نمود. اجازه استفاده نیروهای چندملیتی از پایگاه ناتو در اینجریلیک، که تخطی از اصول سنتی سیاست خارجی ترکیه بود و درگیر شدن در مناقشه دو کشور عربی که ترکیه از زمان پیمان بغداد از آن احتراز داشت، نوعی انحراف اساسی از سیاست خارجی ترکیه بود که برای چند دهه با عدم مداخله در مناقشات خاورمیانه تثبیت گردیده بود. با وجود این تحول اساسی در سیاست خارجی ترکیه، برخی صاحب‌نظران بر این باورند که سیاست خارجی آن کشور در مورد خاورمیانه هنوز نمایانگر نوعی تداوم سیاست گذشته است و گرچه در این سیاست برخی بازنگری‌ها صورت گرفته اما چارچوب کلی آن دست‌نخورده باقی مانده است.<sup>۲</sup>

به هر روی، یکی از تحولات و تغییرات و یا به تعبیری انحرافات عمده و برجسته در سیاست خارجی ترکیه به‌ویژه بعد از فروپاشی شوروی و پایان یافتن جنگ سرد، دوستی و هم‌پیمانی استراتژیک ترکیه و اسرائیل است که به‌عنوان بخشی از جهت‌گیری جدید سیاست خارجی ترکیه محسوب می‌شود.

توسعه و گسترش همکاری‌ها و نزدیکی ترکیه و اسرائیل، یک تحول مهم سیاسی در

1. Malik Mufti, Daring and Caution in Turkish Foreign Policy, The Middle East Journal, Vol.52, No.1, Winter 1998, pp.33-34.

2. Bilge Criss and Pinar, Bilgin, Turkish Foreign Policy Toward the Middle East, MERIA Issue No.1, Jan.1997.p.7.

خاورمیانه است که تاکنون موضوع قابل عنایت و توجه جهت مطالعه و تحقیق و بررسی محققین و مراکز تحقیقاتی متعددی بوده است.

ترکیه و اسرائیل، ضمن آنکه اختلافاتی در اولویتها و برداشتهای خود نسبت به مسائل مختلف اعم از دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دارند، دارای یک سلسله جهت‌گیری‌ها، اهداف و منافع مشترکی به شرح زیر می‌باشند.<sup>۱</sup>

### ۱. جهت‌گیری‌ها، اهداف و منافع مشترک ترکیه و اسرائیل

الف) ترکیه و اسرائیل دو کشور غیرعرب و غیرمذهبی (سکولار) بوده، جهت‌گیری آنها غربی و دارای روابط ویژه‌ای با ایالات متحده آمریکا می‌باشند. دو کشور تمایل به نزدیکی هرچه بیشتر به اروپا دارند، اما غالباً توسط کشورهای اروپایی پس‌زده شده‌اند. هر دو کشور با معارضین و مخالفینی در داخل مرزهای خود درگیر هستند و از نظر نظامی قدرتهای متوسطی محسوب می‌شوند.

ب) ادعای مخالفت با مظاهر بی‌ثباتی در منطقه. هر دو کشور مدعی‌اند که طالب یک منطقه باثبات بوده و در قبال نیروهای به اصطلاح تندرو که در قدرت هستند، یا در پی به دست گرفتن قدرت می‌باشند و ممکن است آن دو کشور را مورد تجاوز قرار دهند و یا آنکه ثبات آنها را برهم زنند، نگران می‌باشند. ترکیه و اسرائیل با برخورداری از یک سلسله منافع گسترده و مشترک به قدر کافی به یکدیگر نزدیک می‌باشند. مهم‌ترین کوششهای این دو کشور در زمینه بازدارندگی، به شرح زیر می‌باشد.<sup>۲</sup>

ب - ۱ - ایران: اسرائیل کماکان بیشترین نگرانی را از طرف ایران به عنوان تهدیدی در مفهوم استراتژیک دارد. این کشور با تحریمهای برقرار شده علیه ایران موافق است. حال آنکه ترکیه کمتر در قبال ایران نگران است. گرچه ترکیه خواهان نفوذ ایرانیان نیست، اما طالب روابط اقتصادی - تجاری خوب با ایران است و احساس می‌کند که برقراری اینگونه تماسها، مواضع ایران را تعدیل خواهد کرد. با این حال، ادعاهای مبنی بر دستیابی ایران به فن‌آوری هسته‌ای و

1. Barry Rubin, Notes on Turkey- Israel Relations, Meria, Issue, No.7, July 1997, pp.10-12.

2. Ibid.

موشکهای دوربرد بالستیک به کمک، روسیه که ایران را قادر به ساخت موشکهای با برد بالا می‌سازد و اسرائیل و ترکیه را در تیررس آنها قرار می‌دهد، موجب شده است که ترکیه و اسرائیل در مورد مقاصد ایران ابراز نگرانی نمایند و در تمام تماسهای خود بر آن تأکید ورزند. ب - ۲ - عراق: هم ترکیه و هم اسرائیل از مواضع ائتلاف ضدعراق در برابر تجاوز آن کشور به کویت پشتیبانی کردند. به‌خاطر جاه‌طلبی‌ها، و انگیزه انتقام‌جویی، صدام حسین رئیس جمهوری عراق، تهدیدی برای هر دو کشور محسوب می‌شود. البته ترکیه منفعی هم دارد که آن کشور را نسبت به پایان یافتن تحریمها در قبال عراق متمایل می‌سازد: از آن جمله نیاز واقعی به تجارت با عراق و درجاتی از همکاری در مورد موضوع کردها در شمال عراق.

ب - ۳ - سوریه: در مقایسه با دو کشور قبلی، موضع ترکیه در قبال سوریه متخاصم‌تر می‌باشد، در حالی که موضع اسرائیل در مقابل سوریه چنین نیست. ادعای حمایت سوریه از کردهای مخالف، دعاوی ارضی نسبت به ترکیه و سایر فعالیت‌هایی که ترکیه آن را مخرب می‌داند، سوریه را به دشمن شماره یک آن کشور در خاورمیانه تبدیل کرده است. به‌علاوه سوریه اختلافاتی در مورد آب با ترکیه دارد و طرحهای وسیع مربوط به سدهای روی رودخانه فرات در جنوب شرقی آناتولی<sup>۱</sup> ترکیه را در این زمینه به‌عنوان تهدیدی علیه خود می‌داند. بااینکه سوریه تنها همسایه‌ای است که بیشترین احتمال حمله به اسرائیل را دارد، با این وجود ترکیه گاهی نگران برقراری توافق بین سوریه و اسرائیل است، توافقی که می‌تواند به منافع ترکیه لطمه وارد آورد. گرچه احتمال تحقق این توافق در سالهای نزدیک وجود ندارد.

ب - ۴ - افراط‌گرایی اسلامی: هر دو کشور نگران گسترش اسلام به‌اصطلاح تندرو هستند و آن را تهدیدی علیه خود محسوب می‌دارند. هر دو کشور مدعی‌اند که از سوی جنبشهای اسلامی مخالف مورد تهدید می‌باشند.

ب - ۵ - تروریسم: دو کشور مدعی‌اند که تروریسم علیه منافع آنها است، البته منبع تهدید برای دو کشور یکسان نمی‌باشد. روی این اصل، دو کشور منافع متقابلی در همکاری دو‌جانبه و بین‌المللی علیه حامیان و عاملین تروریسم ادعایی علیه خود را دارند.

1. Efraim Inbar, editor, Regional Security Regime, the Politics of water in the Middle East: the Current Situation, imagining and political situations, Amikam Nachmani, p.240.

ج - مناسبات با آمریکا: هر دو کشور، ترکیه و اسرائیل، روابط نزدیکی با ایالات متحده آمریکا دارند. گرچه آمریکا با کلیه سیاستهای آن دو کشور موافق نیست، ولی به عنوان یک هم‌پیمان و منبع اصلی کمک‌های خارجی، تدارک تجهیزات نظامی و پشتیبانی سیاسی برای دو کشور محسوب می‌شود. ترکیه و اسرائیل هر دو تمایل دارند که آمریکا در منطقه به صورت فعال و قدرتمند باقی مانده و از آن دو کشور حمایت نماید. متقابلاً همکاری ترکیه و اسرائیل در اشکال مختلف از جمله نظامی می‌تواند در راستای منافع طولانی مدت آمریکا بوده و به هنگام لازم مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱</sup>

#### د - همکاری‌های متقابل

د - ۱ - اقتصادی: فعالیت‌های اقتصادی و تجارت بین دو کشور سریعاً در حال رشد و گسترش است. درآمد به دست آمده از گردشگرهای اسرائیلی برای ترکیه یک منبع مالی قابل توجه می‌باشد. در مورد همکاری‌های اقتصادی دو کشور آمیکام ناچمانی<sup>۲</sup> در سخنرانی خود در دانشگاه باریلان اسرائیل چنین توضیح می‌دهد: «در سال ۱۹۹۷ ما قرارداد تجارت آزاد با ترکیه را امضا کردیم و از آن سال تجارت بین دو کشور البته بدون احتساب فروش تسلیحات، بیش از نیم میلیارد دلار است. ما از ترکیه تولیدات صنایع سنگین و رایانه خریداری می‌کنیم و ترکیه از اسرائیل فن‌آوری پیشرفته وارد می‌کند». وی اضافه می‌کند: «سالانه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار اسرائیلی به ترکیه سفر می‌کنند و ترکیه به صورت یکی از مناطق دیدنی برای اسرائیلی‌ها درآمد است. پروازهای روزانه آنتالیا، استانبول و ازمیر را به تل‌آویو متصل می‌سازد که ارزانتر از رفتن به بندر ایلات است. مبلغی که اسرائیلی‌ها در قمارخانه‌های ترکیه خرج می‌کنند (در حالی که در اسرائیل ممنوع است) بالغ بر یک میلیارد دلار است. تمام این موارد یک شبکه مستحکم از روابط را که بر پایه منافع مادی است شکل می‌دهد».<sup>۳</sup>

د - ۲ - مسأله آب در خاورمیانه و همکاری دو کشور: آب همیشه یک منبع درگیری در خاورمیانه بوده و نزاع بر سر آب در این منطقه، به صورت بازی با مجموعه صفر است. اگرچه

1. Barry Rubin, *op.cit.*

2. Amikam Nachmani

3. Alain Gresh, Turkish - Israel - Syrian Relations and Their impact on the Middle East, The Middle East Journal, Vol.52, No.2, Spring 1998, p.192.

انگیزه برای ایجاد یک رژیم امنیتی راجع به مسأله آب در خاورمیانه آنچنان قوی نبوده است ولی این امر در آینده قطعاً انگیزه قوی برای همکاری و یا کشمکش میان کشورهای خاورمیانه در زمینه آب خواهد شد. اسرائیل نیز مثل اکثر کشورهای خاورمیانه با مشکل آب دست به گریبان است و راه‌حلهای متعددی تاکنون در این زمینه مطرح بوده که مورد بحث‌ترین آنها طرح خط لوله صلح<sup>۱</sup> ترکیه، پروژه نیل - غزه - نقب - اردن، پروژه‌های رودخانه لیستانی - اردن و اتصال بحرالمیت به مدیترانه و دریای سرخ<sup>۲</sup> است. با توجه به اینکه ترکیه در کانون برنامه‌ریزی مربوط به آب خاورمیانه قرار دارد، این مسأله یکی از زمینه‌های مشترک همکاری متقابل دو کشور است.<sup>۳</sup>

د - ۳ - برنامه‌های دفاعی: همکاری دو کشور در زمینه آموزش، انتقال فن‌آوری (مثل نوسازی هواپیماها)، اطلاعات و سایر زمینه‌ها منافع دو کشور را دربر دارد. بسیاری از اعضای سازمان‌های دفاعی اسرائیل بر این باورند که روابط استراتژیک دو کشور به چندین دهه انزوای منطقه‌ای اسرائیل خاتمه داده است. از نظر این کشور، ارتباط بین آنکارا و اورشلیم توازن مطلوبی را در مقابل اتحاد اعراب برقرار نموده و به‌ویژه به نگرانی امنیتی در مورد اتحاد احتمالی ایران و سوریه که یک منبع نگرانی در اسرائیل می‌باشد، خاتمه خواهد داد.<sup>۴</sup>

## ۲. اختلافات دو کشور

بین دو کشور ترکیه و اسرائیل اختلافاتی نیز وجود دارد و زمینه‌های آن به‌قرار زیر می‌باشد. البته بین دو کشور مستقیماً اختلاف دو جانبه وجود ندارد.

الف - ارتباطات و پیوندهای ترکیه با اعراب: عامل اصلی که می‌تواند مانع توسعه همکاری ترکیه و اسرائیل شود، اعتقاد بر این باور است که روابط روبه توسعه با اسرائیل می‌تواند به تماسها و منافع ترکیه، در دنیای اسلام به‌طور عام و کشورهای عربی به‌طور

1. Peace Pipeline

2. (Med - Dead, Red - Dead)

3. Efraim Inbar, *op.cit.*

4. Gerald M. Steinberg, Re examining Israel's Security Doctrine, Royal United Service Institute for Defense Analysis, U.K. Rusi International Security Review, pp.215-224.

خاص، لطمه وارد آورد و تقویت روابط نظامی، سیاسی و اقتصادی ترکیه با اسرائیل که در جهت منافع استراتژیک آمریکا و اسرائیل می‌باشد، به قطب‌بندی بین اعراب و ترکها خواهد انجامید و اعراب یک حامی عمده یعنی ترکیه را از دست خواهند داد. ترکیه نیز بدین ترتیب از جهان اسلام دور شده و در نتیجه در یک تحلیل نهایی تضعیف مسلمانان را موجب می‌شود. علاوه بر آن، ترکیه به‌عنوان دام و تله‌ای برای جلب برخی ملت‌های عرب برای پیوستن به اسرائیل عمل خواهد کرد و بدین ترتیب دامنه و طیف هم‌پیمانی خود را با اسرائیل در منطقه گسترش می‌دهد،<sup>۱</sup> که البته مجموعه این حرکات به اعتبار ترکیه در جهان اسلام صدمه خواهد زد. برای مثال ترکیه در اجلاس کنفرانس اسلامی در تهران مورد انتقاد بسیار قرار گرفت و بخاطر این انتقادات، دمیرل رئیس‌جمهور ترکیه یک روز زودتر از زمان در نظر گرفته شده کنفرانس را ترک کرد. گرچه در داخل ترکیه اکثریت عظیمی حامی نزدیکی با اسرائیل می‌باشند، نارضایتی قابل توجهی نیز به‌ویژه بین جناح‌های اسلامی و خصوصاً در ارتباط با وضعیت فرایند صلح اعراب و اسرائیل وجود دارد.

ب - فرایند صلح اعراب و اسرائیل: ترکیه خواهان آن است که فرایند صلح با موفقیت توأم بوده و راه‌حل رضایت‌بخشی برای فلسطینی‌ها داشته باشد. در شرایطی که موضع ترکیه نزدیک به موضع حزب کارگر اسرائیل است تا دولت بنیامین نتانیا‌هو، این امر به روابط دو جانبه لطمه وارد نیاورده است اما می‌تواند توسعه بیشتر آن را کند سازد.

ج - سلاح‌های کشتار جمعی: ترکیه نسبت به توسعه سلاح‌های کشتار جمعی در میان کشورهای به‌اصطلاح تندرو، نگران است. در حال حاضر، رهبران آن کشور چنین استدلال می‌کنند که گسترش زرادخانه هسته‌ای ممکن است دولتهای به‌اصطلاح آنها تندرو را به توسعه سلاح‌های مشابه تشویق نماید. روی این اصل، این امر موجب نگرانی ترکیه شده و آن کشور را به سمت حرکتها و پاسخ‌های دفاعی سوق داده و این جهت‌گیری جدید زمینه مهم دیگری را برای همکاری با اسرائیل بوجود آورده است.<sup>۲</sup>

د - مسألهٔ اکراد: اکراد مسأله‌ای حیاتی برای ترکیه محسوب می‌شوند و این کشور نگران

1. Haasan Tahsin, Saudi Gazette, Sept 24, 1998, p.3.

2. Barry Rubin, *op.cit.*



آن است که اسرائیل از ایجاد یک دولت کرد در شمال عراق حمایت نماید. عملیات پ.ک.ک. یکی از علل عمده در انعقاد یک سلسله از توافقه‌های اطلاعاتی و نظامی ترکیه و اسرائیل طی سالهای اخیر بوده است.<sup>۱</sup> البته برخی از محافل در اسرائیل همگام شدن اسرائیل با سیاستهای ضدکردی ترکیه را اشتباه دانسته و آن را خلاف سیاست سنتی اسرائیل در حمایت از ملی‌گراهای کرد می‌دانند.<sup>۲</sup>

۵- افکار عمومی مخالف و موافق اتحاد دو کشور: گرچه روابط بین ترکیه و اسرائیل در عرصه‌های دیپلماتیک، تجاری و نظامی در حال شکوفایی است اما این تحولات به‌دقت در جهان عرب و دنیای اسلام دنبال شده و با دیدی مخالفت‌آمیز و انتقادی به آن نگریده می‌شود. اگرچه در افکار عمومی اسرائیل حساسیت شدیدی دیده نمی‌شود، ولی محافل و جناحهایی در اسرائیل منافع و مضار اتحاد دو کشور را زیر ذره‌بین قرار داده‌اند. برخی از این محافل بر این باورند که اسرائیل نباید به‌طور کامل نسبت به مسایل مختلف با ترکیه همگام باشد، زیرا اتحاد با ترکیه بسیاری از درخشندگی‌های خود را از دست داده است. به نظر آنها، این اتحاد ممکن بود در دوران بن‌گوریون که هیچ کشور عربی مایل به داشتن رابطه با اسرائیل نبود جالب باشد، اما امروزه اتحاد با ترکیه پیچیدگی جدیدی به روابط اسرائیل با کشورهای منطقه داده و ممکن است اسرائیل را به روزهای گذشته بازگرداند و یادآور می‌شوند که یکی از دلایلی که موجب برگزاری اجلاس اتحادیه عرب در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۸ شد، مسأله اتحاد ترکیه و اسرائیل بود. در مورد همگام شدن کامل اسرائیل با سیاستهای ترکیه در آسیای مرکزی یا یونان آنها بر این باورند که این سیاستها ممکن است بر برخی منافع اسرائیل اثر عکس بگذارد. برای نمونه می‌گویند کوششهای اورشلیم برای توسعه روابط دیپلماتیک و بازرگانی با جمهوری آذربایجان که یکی از کشورهای کلیدی قفقاز می‌باشد آشکارا با فشارها و رقابتهای ترکیه برخورد می‌نماید. یا تلاش نیروی هوایی اسرائیل برای تحصیل تفوق هوایی منطقه‌ای با استقرار موشکهای اعطایی روسیه در بخش یونانی‌نشین قبرس مواجه شد که بر پیچیدگی

1. Middle East International. No.584, p.11.

2. Jerusalem Post International edition, Nov.2.1998, p.12.



مسایل اسرائیل افزود.<sup>۱</sup> اما با وجود این نگرشها، برخی معتقدند که اتحاد و محور نظامی جدید بین اسرائیل و ترکیه، یکی از تحولات مهم سیاسی منطقه از زمان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ محسوب می‌شود. نگرانی‌های قدیمی از برپایی یک اتحاد ضدعرب که مالا شامل اتیوپی نیز می‌گردد، دوباره قوت گرفته است، گرچه ایران تنها قدرت منطقه‌ای غیرعرب می‌باشد که در حال حاضر فاصله خود را با این اتحاد حفظ نموده است.<sup>۲</sup>

### ۳. عملکردها

از سال ۱۹۹۱، پی‌ریزی پایه‌های اولیه و توسعه اتحاد و روابط استراتژیک ترکیه و اسرائیل با انجام ملاقاتهای مکرر و افزایش همکاری‌های مختلف به‌ویژه در زمینه‌های نظامی-اقتصادی آغاز شده و به منصفه ظهور رسیده است. در این ارتباط یک یادداشت تفاهم دوازده ماده‌ای در تل‌آویو در طول سفر وزیر خارجه وقت ترکیه، حکمت چتین، در نوامبر سال ۱۹۹۳ به امضا رسید. در این یادداشت تفاهم، همکاری بین سازمانهای اطلاعاتی ترکیه و اسرائیل یعنی میت و موساد گنجانده شده بود. در نوامبر سال ۱۹۹۴ دو قرارداد همکاری برای مقابله با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و نیز ارتباطات به امضای طرفین رسید. قرارداد تجارت آزاد در ماه مارس ۱۹۹۶ امضاء و در پایان ماه مه سال ۱۹۹۷ به مرحله اجرا درآمد. همچنین در ماه مارس ۱۹۹۶ توافقاتی در زمینه سرمایه‌گذاری‌های متقابل و جلوگیری از اخذ مالیات مضاعف به امضای طرفین رسید، ضمناً مذاکراتی برای فروش آب آغاز شد. آخرین قرارداد در زمینه همکاری اقتصادی برای تقلیل عوارض گمرکی در دسامبر ۱۹۹۶ به امضای طرفین رسید. همکاری نظامی در کانون اصلی روابط استراتژیک اسرائیل - ترکیه قرار دارد و در ۲۳ فوریه ۱۹۹۶ دو کشور قرارداد همکاری در مورد آموزش نظامی را که متضمن مبادله افراد و اعطای حقوق متقابل برای استفاده از بنادر و پایگاههای هوایی یکدیگر بود، به امضاء رساندند. در ۲۶ اوت، این قرارداد گسترش یافته و آموزش نظامی را نیز دربر گرفت، همچنین توافق شد که صنایع هوایی اسرائیل جت‌های فانتوم F-4 ترکیه را نوسازی کنند.<sup>۳</sup> در این رابطه

1. *Ibid.*

2. Alain Gresh, *op.cit.*, pp.143-4.

3. Security Dialogue, *op.cit.*

در ۵ دسامبر ۱۹۹۶، اربکان نخست‌وزیر وقت ترکیه یک قرارداد ۶۵۰ میلیون دلاری را با اسرائیل به‌منظور نوسازی ۵۴ فروند جنگنده F-4، امضا نمود.<sup>۱</sup> در این ماه دو کشور نسبت به اجرای عملیات مشترک هوایی و دریایی به توافق رسیدند که منجر به عقد پیمانهای شد که فضای دو کشور را بر روی عملیات نظامی آنها باز نمود. در فوریه سال ۱۹۹۷، در جریان اولین دیدار رئیس ستاد ارتش ترکیه از اسرائیل، عملیات نظامی مشترک هوایی و دریایی برای سال ۱۹۹۷ برنامه‌ریزی شد و در مورد تبادل اطلاعات توافق گردید، به‌علاوه ترکیه موافقت نمود که فن‌آوری و راهبرد نظامی اسرائیل را به‌ویژه در عملیات نیروی هوایی به کار گیرد. قابل توجه اینکه دو کشور تاکنون در چارچوب همکاری‌های نظامی ضمن شرکت متقابل در برنامه‌های آموزشی، دو تمرین نظامی مشترک در شرق آبهای مدیترانه برگزار کرده‌اند.<sup>۲</sup> در ماه اکتبر سال ۱۹۹۷ و در ملاقات با رئیس ستاد ارتش اسرائیل، طرفین در مورد فروش برخی از تسلیحات اسرائیل به ترکیه، مدرنیزه کردن تانکهای نیروهای مسلح ترکیه و نیز تولید مشترک سلاح توافق نمودند، که شروع آن با تولید تانکهای مرخاوا ۳ خواهد بود. ترکیه مبادرت به خرید موشکهای پاتریوت ضدبالستیک و نیز موشکهای پاپای<sup>۳</sup> از اسرائیل نموده است.<sup>۴</sup> قرارداد نوسازی ۴۸ جنگنده F-5 نیز در دسامبر ۱۹۹۷ با اسرائیل بسته شد و دو کشور در مورد تولید موشکهای آرو<sup>۵</sup> به توافق رسیدند.<sup>۶</sup>

#### ۴. اهداف و انگیزه‌های ترکیه و اسرائیل برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز

۱-۴ - اهداف و انگیزه‌های ترکیه: ترکیه در میان کشورهای اسلامی از جمله فعالترین کشورها در تعقیب فرصت‌های جدید برای بهره‌مند شدن از پیوندهای نزدیک قومی، زبانی و فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. این کشور نمی‌تواند از این منطقه که به آن

1. Efraim Karsh ed. *Israel Affairs*, Vol.3, Nos 384, Spring- Summer 1997, Frank Cass Journal, Chronology: Security Issues, p.386.

۲. روزنامه سلام، ترکیه با آمریکا و اردن تمرین نظامی مشترک برگزار می‌کنند، شماره ۲۲۲۹، سال هشتم، مورخ ۱۷/۱۱/۷۷، ص ۱۲.

3. Popeye

4. Security Dialogue, *op.cit.*

5. Arrow

6. Alan Gresh, *op.cit.*, p.192.

به‌عنوان فرصت و موقعیتی جهت حفظ و نگهداری موقعیت بین‌المللی خود چشم دوخته است، صرف‌نظر نماید. البته در عمل، نفوذ این کشور در ماههای اولیه بعد از استقلال جمهوری‌ها بسیار برجسته بود. الگوی غیرمذهبی (سکولار) و متمایل به غرب ترکیه و وعده‌های سخاوتمندانه‌ای که ترکها به شرکای شرقی خود می‌دادند، علاقه‌مندی زیادی را در این کشورها ایجاد نمود. اما بزودی رهبران کشورهای آسیای مرکزی دریافته‌اند که نسبت به توانایی ترکیه زیاد اغراق شده است، به این معنی که این کشور در آن چنان موقعیتی نیست که به آنها در زمینه‌های مورد علاقه از جمله برای نجات اقتصاد در حال نابودی آنها کمکهای اساسی نماید؛ همچنین تجربیات ترکیه در زمینه دموکراسی، انگیزه قوی برای نظامهای اکثراً خودکامه آسیای مرکزی فراهم نمی‌نمود. در نتیجه آن سرخوشی نسبت به پان‌ترکیسم در ماههای اولیه استقلال این جمهوری‌ها سریعاً فروکش کرد و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به جستجوی شرکای دیگری سوق داد. با این وجود، ترکیه هنوز بر آن است که جایگاه و جای پای مستحکم و پایداری را در آسیای مرکزی و قفقاز برای خود تدارک ببیند و حرکت‌های این کشور در این مورد قابل توجه است. ترکیه منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را جزئی از قلمرو فرهنگی و تاریخی خود محسوب می‌کند. ولی به هر حال، محدودیتهای ترکیه در جهت کسب کنترل و یا نفوذ مورد دلخواه در منطقه، همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد، هویدا گشته است.<sup>۱</sup> برخی کشورها، از جمله آمریکا با هدف ادامه سیاست تحدید و انزوا و تحریم ایران به تقویت نقش ترکیه در منطقه ادامه می‌دهند، از آن روی است که آمریکا فعالانه از ایجاد خط لوله‌ای که نفت را از بندر باکو به بندر جیحان در ترکیه انتقال می‌دهد، حمایت می‌کند.<sup>۲</sup> قابل توجه اینکه در این مورد اسرائیل نیز با سیاستهای آمریکا همگام و هم‌نوا می‌باشد و شیمون اشتاین معاون مدیرکل کشورهای مشترک‌المنافع وزارت امور خارجه اسرائیل اخیراً از طرح انتقال نفت جمهوری آذربایجان از مسیر باکو - جیحان حمایت کرده و طی سفری به باکو گفته

۱. ادموند هرزیک، ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، تهران ۱۳۷۵، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ص ۳۰.

2. Constantine Arvanitopoulos, Hellenic Ministry of Foreign Affairs Periodical the Geopolitics of oil in Central Asia, p.25.

است که این طرح هم از جهت اقتصادی و هم از جهت استراتژیک مهم تلقی می‌شود.<sup>۱</sup> این اظهارات مؤید این مسأله است که غرب و در رأس آن آمریکا نقش ویژه‌ای را برای ترکیه در بازی جغرافیای سیاسی و استراتژیک در منطقه قائلند. از نظر ترکیه راه نفوذ به کل منطقه آسیای مرکزی، مسیر قفقاز است و قفقاز مهمترین دروازه برای این کشور به منظور توسعه روابط و پیوند اقتصادی با جمهوری‌های آسیای مرکزی محسوب می‌شود. به علاوه این منطقه یکی از مناسب‌ترین راهها برای انتقال نفت و گاز دریای خزر و آسیای مرکزی به بازارهای جهانی قلمداد شده است.<sup>۲</sup> البته باید گفته شود که ترکیه به دلیل عدم توفیق در برقراری روابط خوب با ارمنستان، در پیشبرد سیاست گسترش به سمت شرق موفقیت چندانی نداشته است و ارمنستان سد راه نفوذ مؤثر ترکیه به آسیای مرکزی محسوب می‌شود، تا جایی که این کشور به ناچار راههای دیگر را برای دستیابی به آن بازارها برگزیده است.<sup>۳</sup> ترکها مدعی‌اند که یک کشور الگو و اسوه برای آسیای مرکزی می‌باشند و می‌توانند به جمهوری‌های ترک زبان آسیای مرکزی در تلاش برای همکاری با جهان و ادغام در اقتصاد جهانی کمک کنند. به هر روی ترکیه با وجود تلاشهای بسیار بر سر راه نفوذ خود در آسیای مرکزی و قفقاز با ناکامی‌هایی هم مواجه بوده است. مثلاً نشست سران ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی در آنکارا در اکتبر سال ۱۹۹۲، اندیشه احیاء آرمان بزرگ ترکیه برای سیطره و نفوذ بر منطقه را زدود، زیرا دولتهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی نشان دادند که در جایگزینی برتری جویی روسیه با سلطه ترکیه بسیار محتاط هستند. ایلچی بیک رئیس‌جمهوری سابق آذربایجان که قصد داشت ترکیه را جانشین روسیه «برادر بزرگ»<sup>۴</sup> کند، در آسیای مرکزی مورد انتقاد شدید قرار گرفت.<sup>۵</sup>

۱. روزنامه ایران، جمهوری آذربایجان و راهبردهای آمریکا و رژیم صهیونیستی، شماره ۱۱۵۹، سال پنجم، مورخ ۷۷/۱۱/۱۳، ص ۴.

2. Timur Kocaoglu, why does Turkey Favor Regional integration in the Trans Caucasus?, American University of Armenia, the Transcaucasus today: Prospect for Regional integration, edited conference Paper, June 23-25, 1997, p.63.

۳. آوریل، ارگان جنبش مردمی ارمنه، سال چهاردهم، شماره ۳۷، آذر ۱۳۷۷، ص ۶ و ۷.

4. big brother

۵. محمدرضا ملکی، ترفندهای اسراییل برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز، جامعه، سال یکم، شماره ۶۴، مورخ ۷۷/۲/۲۳، ص ۱۱.

با این وجود، ترکیه از تلاشهای خود در اشکال مختلف برای نفوذ بیشتر در آسیای مرکزی و قفقاز دست نهسته است، تاجایی که این تلاشها حتی برخی از همکاریهای منطقه‌ای آن کشور را تحت الشعاع قرار داده است. مثلاً روابط بسیار نزدیک ترکیه با ایالات متحده آمریکا و نیز توسعه و گسترش همکاریهای همه‌جانبه این کشور با اسرائیل که تجلی نوعی یارگیری سیاسی و اقتصادی است، باعث گردیده تا همکاری کشورهای عضو اگو در چارچوب این سازمان و همگرایی درونی آن در حد بسیار پایین باقی بماند.

#### ۲-۴- اهداف و انگیزه‌های اسرائیل

اهداف و انگیزه‌ایی که موجب شده است تا اسرائیل در میدان و عرصه رقابت بر سر نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز تلاش نماید، به‌قرار زیر است:<sup>۱</sup>

۱-۲-۴- ترس از دسترسی دشمنان اسرائیل در خاورمیانه به سلاحها و فن‌آوری هسته‌ای. این نگرانی اسرائیل در شرایطی است که بخصوص پس از فروپاشی شوروی گروه کثیری از دانشمندان و فوق متخصصان نادر به‌ویژه از ملیتهای شوروی و اروپای شرقی سابق در صنایع نظامی اسرائیل بکار مشغول شده‌اند. قابل ذکر است که موساد و سیا به دقت حرکات متخصصان انرژی هسته‌ای دولتهای آسیای مرکزی و قفقاز را زیر نظر دارند.

۲-۲-۴- سرنوشت یهودیان آسیای مرکزی و قفقاز. سرنوشت این یهودیان یکی از موارد دیگر نگرانی اسرائیل است. یکی از انگیزه‌های اسرائیل برای برقراری روابط با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، ایجاد شبکه‌های لازم در این کشورها برای خارج کردن یهودیان از منطقه در شرایط اضطراری است.

۳-۲-۴- ترویج تفکرات صهیونیستی. اسرائیل با بهره‌گیری از اقلیت یهودی ساکن در این جمهوری‌ها، از آنان به‌عنوان اهرم نفوذ آن کشور برای ترویج اندیشه‌های صهیونیستی استفاده می‌کند. برقراری ارتباط یهودیان این مناطق با یهودیان مهاجر و تشویق این یهودیان به سرمایه‌گذاری در کشورهایی که از آن مهاجرت نموده‌اند، از جمله اقدامات اسرائیل در این

زمینه می‌باشد و اقدامات تبلیغی و فرهنگی اسرائیل برای رسیدن به این هدف در منطقه در حال گسترش است.

۴-۲-۴ - توسعه پیوندهای اقتصادی. گسترش روابط اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به ویژه در بخش کشاورزی، آبیاری، مدیریت آب و کشت پنبه در سرلوحه اقدامات اسرائیل در این منطقه قرار دارد. اسرائیل می‌کوشد از مجرای روابط اقتصادی و تجارت، روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را توسعه داده و بتدریج عمق استراتژیک خود را در منطقه افزایش دهد.

۵-۲-۴ - تلاش برای جلب همکاری جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در مجامع بین‌المللی. در این زمینه، جلب حمایت کشورهای مذکور در سازمانهای بین‌المللی برای کاهش فشار علیه اسرائیل و رفع بحران مشروعیت بین‌المللی آن، جلوگیری از تشکیل جبهه ضد اسرائیلی در منطقه، گسترش سطح تماس با کشورهای اسلامی و تأمین مواضع دیپلماتیک یکنواخت کشورهای منطقه در مورد مناقشه اعراب و اسرائیل و فرایند صلح خاورمیانه از انگیزه‌های دیگر اسرائیل می‌باشند.

۶-۲-۴ - تحکیم بیشتر روابط با آمریکا از طریق تحکیم پیوند با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و عمل کردن به عنوان سرپل. به این روابط که از دید برخی از صاحب‌نظران گمان می‌رفت با حذف رقیب دوران جنگ سرد از نظر نظامی - سیاسی زیر سؤال رود، نه تنها خللی وارد نیامده، بلکه با شکل‌گیری روابط اسرائیل با آسیای مرکزی در بستر خاورمیانه بزرگ، اهمیت اسرائیل برای آمریکا به عنوان متحد استراتژیک قوت بیشتری یافته است. کشورهای منطقه نیز متقابلاً از روابط با اسرائیل برای نزدیکی با آمریکا سود می‌جویند و برای رهبران این کشورها، ارتباط با اسرائیل مبین نوعی جهت‌گیری ضدبنیادگرایی است و نگرش همسو با اسرائیل نشان‌دهنده افزایش شهرت و جایگاه کشورهای مزبور در غرب و غربی شدن است. به هر حال، این تصور وجود دارد که اسرائیل دروازه ورود به جهان غرب به‌طور کلی و آمریکا به‌طور اخص است.

۵. اشتراک منافع ترکیه و اسرائیل در آسیای مرکزی و قفقاز و پیامدهای آن

وجود منافع همه‌جانبه ترکیه و اسرائیل در آسیای مرکزی و قفقاز که در بالا بدان اشاره

گردید، سبب شده است که آنکارا و تل آویو در همسویی و همگامی هرچه بیشتر سیاستها، حرکتها و اقدامات خود در این منطقه ترغیب شوند، که این امر آثار و پیامدهایی را برای منطقه مذکور دربردارد. روی این اصل، هم‌پیمانی دو کشور و انعقاد قراردادهای متعدد با یکدیگر پس از فروپاشی شوروی و خاتمه جنگ سرد، گامی است در جهت نیل به اهداف مشترک دو کشور در منطقه و پُر کردن خلاء ناشی از فروپاشی شوروی. محورهای عمده این فصول مشترک و پیامدهای آن بر منطقه به قرار زیر می‌باشند:

۱-۵ - از دید اسرائیل همکاری با ترکیه، همگرایی فرهنگی - جغرافیایی<sup>۱</sup> آن کشور را در کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز اعتلاء خواهد بخشید.<sup>۲</sup>

۲-۵ - از دید دو کشور، تلفیق امکانات و توانایی‌های متقابل راهی برای نفوذ بیشتر در بازارهای بکر و وسیع منطقه آسیای مرکزی و قفقاز محسوب می‌شود. ادغام سرمایه و منابع مالی اسرائیل و کانونهای یهودی در سراسر جهان با نفوذ فرهنگی، سیاسی و تاریخی ترکیه در منطقه، این راه را همواره نموده است. به نقل از یکی از دیپلماتهای اسرائیلی در ترکیه: «اسرائیل درصدد است که در مورد سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی و قفقاز با ترکیه شریک شود، زیرا اسرائیل از مجرای بازرگانان و تجار ترک آسانتر به جمهوری‌های تازه استقلال یافته این منطقه راه خواهد یافت».<sup>۳</sup> همکاری شرکت «گاما» ترکیه در طرحهای مربوط به پالایشگاه نفت ترکمنستان که اسرائیل نیز در آن مشارکت دارد، از جمله همکاری‌های مشترک اقتصادی دو کشور است. گفته می‌شود که ارزش طرحهای در دست اجرای شرکت اسرائیلی «مرخاوه» در پالایشگاه ترکمنستان بالغ بر یک میلیارد دلار است.<sup>۴</sup>

۳-۵ - نفت دریای خزر. این مسأله به عنوان «بازی بزرگ» جدید، حوزه دریای خزر را به عنوان منبع عظیم نفت خام منطقه به روی رقابت جغرافیای سیاسی و اقتصادی فشرده گشوده است. ورود شرکتهای چندملیتی و بازیگران جدید به منطقه و رقابتهای موجود بر سر

1. Geo- Cultural

2. Kemal Kiraclic and Bulent Aras, Four Questions on recent Turkish Policies and Foreign Policy, Meria, Vol.2, No.1, March 98.

۳. داود محمدی، اهداف و پیامدهای گسترش روابط ترکیه و اسرائیل، اطلاعات، شماره ۲۱۱۶۶، ۱۰/۷/۷۶، ص ۱۲.

4. Turan, News Agency, 26.10.98

خطوط لوله که با سلطه جویی سنتی روسیه در «خارج نزدیک» و حیاط خلوت آن کشور در تقابل است، قطعاً نتایج تعیین کننده‌ای بر الگوهای اتحاد منطقه‌ای و موازنه قدرت در آینده خواهد داشت. در این زمینه، برخی از صاحب نظران از محور ترکیه و جمهوری آذربایجان در مقابل محور روسیه - ایران - ارمنستان یا ایران - روسیه - ترکمنستان صحبت می‌کنند. اسرائیل و ترکیه به دلیل همسویی کلی با آمریکا، منافع مشترکی را تعقیب می‌نمایند.<sup>۱</sup>

۴-۵ - رقابت با ایران و جلوگیری از پیاده شدن الگوی حکومتی آن در منطقه، از دیگر نقاط مشترک اسرائیل و ترکیه در این منطقه می‌باشد.<sup>۲</sup> در این زمینه، بزرگ‌نمایی بنیادگرایی اسلامی و خطر حرکت امواج آن از سوی ایران که از طرف بازیگران و کانونهای مختلف از ابتدای فروپاشی شوروی دنبال شده است، ترکیه و اسرائیل را که هر یک به دنبال مطامع خود هستند، ترغیب می‌نماید که ایران را به عنوان خطری علیه ثبات داخلی کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز مطرح سازند. این ترفندها و تمهیدات کشورهای منطقه را به جستجوی شرکای بالقوه‌ای در خارج از جهان اسلام و در جهان اسلام (به غیر از ایران) تشویق نموده است. مثلاً در شرایطی که روابط ازبکستان با ایران تاکنون از آنچنان گرمی برخوردار نبوده، روابط و مناسبات ترکیه و اسرائیل با آن کشور همه جانبه روبه گسترش بوده است. در مجموع القاء وحشت و ترس از اسلام به اصطلاح تندرو که قصد دارد خلاء حاصل از فروپاشی شوروی سابق را در جمهوری‌های مسلمان پر نماید، باعث شده است که الگوی ترکی دموکراسی غیر مذهبی همراه با اقتصاد آزاد به این کشورها تبلیغ و ارائه گردد<sup>۳</sup> و در مقابل، طرح مسأله بنیادگرایی اسلامی به عنوان تهدیدی علیه امنیت ترکیه که به بخشی از سیاست استراتژیک ضدایرانی ترکیه بدل شده، این کشور را قادر ساخته است تا از طریق اتحاد و همسویی با اسرائیل حمایت دولت و کنگره آمریکا را به خود جلب نماید.<sup>۴</sup>

۵-۵ - مقابله با استیلاء و نفوذ روسیه در منطقه. در سال ۱۹۹۱ بعد از فروپاشی

1. Russia, The Caucasus, Central Asia, and Ukraine, Report of the meeting held. Nov.4-5, 1997, by Kareen Balletine, p.11.

۲. داود محمدی، همان.

۳. مصطفی آبدین، نقش ترکیه در پیشگیری و مدیریت بحرانهای منطقه‌ای، ترجمه فاسم سلکی، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۰۷.

4. Alain Gresh, *op.cit.*, p.191.



شوروی، به ترکیه به عنوان کشوری که نفوذ قابل توجهی در آسیای مرکزی و قفقاز (آذربایجان) خواهد داشت نگریده شده. حتی بعضی از کشورهای غربی بر روی ترکیه برای جایگزینی نقش مسکو در آسیای مرکزی و قفقاز حساب باز کرده بودند و این سیاست و نگرش کماکان ادامه دارد. این امر یکی از فصل مشترکهای ترکیه و اسرائیل در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است و در رقابت با برتری جویی روسیه در مناطق مذکور، اسرائیل و ترکیه با دنباله‌روی از آمریکا همسو می‌باشند. جالب اینکه اسرائیل در این زمینه از ترکیه به عنوان «اسب تروا» برای ایجاد جای پا در مناطق مسلمان‌نشین سرزمینهای شوروی سابق و با هدف تضعیف حضور و نفوذ روسیه سود می‌جوید.<sup>۱</sup> البته متقابلاً روسیه نیز تاکنون مانع بالقوه‌ای برای حضور دیگر بازیگران، از جمله ترکیه و اسرائیل در مناطق «خارج نزدیک» بوده است. سیاست آن کشور به‌طور روزافزون نگران چالشهای ایجاد شده در اثر ورود دیگر بازیگران به مناطقی است که هنوز برای امنیت و منافع اقتصادی روسیه حیاتی است. تأمین یک جایگاه رقابت‌آمیز ولی نه‌چندان قاطع در آسیای مرکزی و بازار نفت و گاز قفقاز، انگیزه‌ای قوی برای تداوم حضور و درگیر بودن روسیه در این دو منطقه است.<sup>۲</sup>

۵-۶- همکاری و همگامی ترکیه با اسرائیل جزئی از سیاست استراتژیک و اهداف نهایی آمریکا و اسرائیل در قالب راهبرد خاورمیانه بزرگ با هدف اتصال کشورهای خاور نزدیک، قفقاز، آسیای مرکزی و ترکیه در یک منطقه جغرافیای سیاسی است. گفته می‌شود که در صورت پذیرش پیش‌شرطهای واشنگتن، ایران می‌تواند در این سامانه جدید فعالیت نماید و از نقش کنونی خود به‌عنوان کشوری حاشیه‌ای تحت نظام آسیای مرکزی و قفقاز و حتی خاورمیانه عربی خارج گردد. تحقق چنین ایده‌ای البته از نظر ترکیه که پاره‌ای از بدنه سامانه غرب می‌باشد، خوشایند به نظر نمی‌رسد، زیرا زمامداران آن کشور به‌خوبی می‌دانند که با بهبود روابط ایران با غرب و به‌ویژه با آمریکا، آنکارا اهمیت پیشین خود را از دست می‌دهد.<sup>۳</sup>

۵-۷- استفاده از منابع آب آسیای مرکزی و قفقاز از طریق ترکیه، خواسته استراتژیستهای اسرائیل در همکاری دو جانبه و یکی از فصول مشترک آن دو کشور در قبال

1. A. Panarin, *Rossia va asloriakn*, p.65.

2. Russia, *The Caucasus, Central Asia and Ukraine*, *op.cit.*

۳. آوریل، همان.

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز محسوب می‌شود. در سفر ماه مارس سال ۱۹۹۶ دمیرل رئیس‌جمهوری ترکیه به اسرائیل، مذاکراتی بین طرفین در خصوص فروش آب آغاز و درباره انجام تلاشهای مشترک در زمینه بهره‌برداری از آب و طرحهای ترکیه در این زمینه تبادل نظر صورت گرفت.<sup>۱</sup>

۵-۸ - ادعاهای مبنی بر دستیابی ایران به فن‌آوری‌های هسته‌ای و موشکهای دوربرد بالستیک از منابع مختلف در جمهوری‌های سابق و عمدتاً روسیه، منبع نگرانی مشترک ترکیه و اسرائیل قلمداد می‌شود و دو کشور در مخالفت با رویه روسیه در این زمینه مواضع مشترک دارند. به‌علاوه همسویی ترکیه به‌عنوان یک عضو ناتو در شکل اتحاد با اسرائیل (دارای قدرت اتمی) در واقع نوعی مخالفت با حرکت روسیه تلقی شده، جدا از آنکه این هم‌پیمانی یک نوع توازنی علیه ایران در صورت اتحاد ایران با کشورهای عربی و پاکستان می‌باشد.<sup>۲</sup> قابل ذکر است که در جریان دیدار وزیر دفاع اسرائیل از ترکیه در دسامبر سال ۱۹۹۷ یکی از محورهای گفتگو، تهدیدات احتمالی موشکی علیه آنها از جانب ایران بوده است.<sup>۳</sup> اسرائیل تاکنون به کرات با اقدامات روسها در این زمینه و تداوم آن اقدامات مخالفت ورزیده است و آمریکا نیز به روسیه در این باره فشار بسیار آورده و می‌آورد. آن کشور تداوم همکاری‌های ایران و روسیه در این زمینه را برای ثبات خاورمیانه مخرب توصیف کرده و هشدار داده که جنگ سرد ممکن است به منطقه بازگردد. از زاویه دیدی دیگر گفته می‌شود که گسترش ناتو به شرق مخالفتهایی را در درون حاکمیت روسیه به‌همراه داشته است و همکاری‌های روسیه با ایران در زمینه‌های یادشده و تداوم آن، در واقع نوعی مقابله و پاسخگویی به گسترش ناتو تلقی می‌گردد.<sup>۴</sup>

1. Jerusalem Post March 13, 1996, Shimon Peres,.: Kenesset speech on Occasion of Turkish President's Visit.

2. Hassan Tahsin, *op.cit.*

3. Security Dialogue, *op.cit.*

4. Gerald Steinberg, *op.cit.*